

Re-reading the Saffarzadeh's Poem with functional stylistics approach

Hafez Hatami*
Seyyedeh Elham Jazayeri**

Abstract

Accurate reading, morphology and analysis of literary works from the point of view of systematic functional linguistics and functional stylistics of *Michael Halliday* is one of the most prominent and effective approaches to understanding and explaining these texts. Functional stylistics enters into two independent areas of linguistics and literary criticism, and it recognizes, introduces and evaluates the components of these two subjects. In this different view, the social function of the language is often taken into consideration, followed by the Ideational meta-functional, interpersonal, and textual of the language of the texts being explained and interpreted. This research, has been done by collecting, describing and somewhat statistical method, aims to criticize and analyze poetry by *Tahereh Saffarzadeh* whose style influenced by trivial meta-functional, and explain the ways in which poetic language is used. Finally, by analyzing each of these franchises, the function of language in the form of the poet's expressions is well understood and received.

The style of a literary work is how to use the language and the way of expression, the elements and components of aesthetic, and the content approach and the theme as the message of that work. Functional stylistics of *Halliday* is also a product of social insight into the role of language. One of the prominent features of this method is that, by examining this process, one can become aware of the inside world of the author, and, in addition, try to understand the external factors; The fact that in most of the poems of this poet, and especially in the first travel poem, reveals the true experiences of the poet in her phrases. Saffarzadeh has used the two processes of material and relative in her socio-political poetry, while at the same time she has given a more descriptive and narrative sense to her own text .

Keywords: Contemporary Poetry, stylistics, functional linguistics, Michael Halliday, Tahereh Saffarzadeh

References

- Aqagolzade, Ferdows (1390). *Critical Discourse*. 2nd ed. Tehran: Elmi va Farhangi.

* Assistant Professor of Persian Language and Literature of Payame Noor University, Tehran, Iran
hatami.hafez@pnu.ac.ir

** Ph. D. Student of Persian Language and Literature of Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 01/12/2018

Accepted: 02/02/2019



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

Doi: [10.22108/liar.2019.114267.1512](https://doi.org/10.22108/liar.2019.114267.1512)

-
- ----- (1384). Applying for education of Functional linguistic in analyze and literary texts. *Journal of literature and human sciences university of Mashhad*. 38th Year, No 149.pp 2-21.
 - Dekhoda. AliAkbar (1377). *Dictionary*, 4th ed., Tehran: University of Tehran Press and Publishing Institute.
 - Fotouhi. Mahmoud. (1391). *Stylistics (Theories, approaches and methods)*, 1st ed., Tehran: Sokhan publication.
 - Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
 - Jowrkesh. Shapour (1383). *Poetic of new poetry (another look at Nima Yushij's theory and poetry)*. 1st ed., Tehran: Qoqnous.
 - Karimi. Farzad (1392). *A new narrative about the old tablet. (Narrative in New Iranian Poetry)*.1st ed., Tehran: Qatreh.
 - Kittrell ,Davina.(2013). *Identifying “you” in second person narratives: A systemic functional linguistic analysis*. Unpublished MA thesis, Marshal University.
 - Mohajer. Mehran & Nabavi. Mohammad. (1374). *Towards linguistics of poetry (Functional approach)*. 1st ed. Tehran: Markaz Publication.
 - Ryder, M. E. (2006).*Transitivity: Stylistics approaches*, USA, Elsevier, (pp40-46).
 - Shamisa, Sirous (1373). *General stylistics*. 2nd ed., Tehran: Ferdows.

بازخوانی سروده‌ای از طاهره صفّارزاده با رویکردی به سبک‌شناسی نقشگرا

حافظ حاتمی* و سیده الهام جزایری**

چکیده

بازخوانی، ریخت‌شناسی و تحلیل آثار ادبی از منظر زبان‌شناسی نظام‌مند نقشگرا و سبک‌شناسی نقشگرای مایکل هالیدی، یکی از رویکردهای برجسته و کارآمد در فهم و تبیین متون است. در این نگاه و خوانش، بیشتر به کارکرد اجتماعی زبان توجه می‌شود و در پی آن فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی زبان تبیین و تفسیر می‌شود. سبک‌شناسی نقشگرا، در دو ساحت مستقل زبان‌شناسی و نقد ادبی ورود می‌کند و به شناخت، معرفی و ارزش‌گذاری مؤلفه‌های این دو موضوع می‌پردازد. این پژوهش که با روش توصیفی، اسنادی، گردآوری و تا اندازه‌ای آماری انجام پذیرفته‌است، با نقد و تحلیل سروده‌ای از طاهره صفّارزاده، تأثیرپذیری و بهره‌مندی سبکی او را از فرانش‌های سه‌گانه و تبیین شیوه‌های کاربرد زبان شعری‌اش آشکار می‌کند. با تجزیه و تحلیل فرانش‌ها و کارکرد زبان در قالب عبارت‌پردازی‌ها و با رمزگذاری فرآیندهای ششگانه، این نتیجه مهم به‌دست می‌آید که جهان درون و بیرون شاعر - در بُرشی که با زبان از آنها صورت می‌گیرد - در قالب افعالی رمزگذاری می‌شود و در ادامه با بررسی فرآیندها و فعل‌ها، به‌خوبی تجربه‌های ناب شاعرانه و اندیشه‌های او مشخص می‌شود. از سوی دیگر، نظام‌گذاری زبان یا تعدی، به عنوان نشانگر مهم نوع ادبی، در برجسته‌تر کردن شگردهای شخصیت‌پردازی روایت‌های این شاعر سودمند است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی نقشگرا، مایکل هالیدی، طاهره صفّارزاده

۱. مقدمه

زبان‌شناسی نقشگرا، یکی از رویکردهای مهم و مسلط زبان‌شناسی معاصر است که با نظریه‌های یاکوبسون (Jakobson) و تروبتسکوی (Nikolai Trubetzkoy) در حلقه زبان‌شناسی پراگ (prague) پی‌ریزی شد. این مکتب زبانی کم‌کم به مکاتب اروپایی دیگر راه یافت و در مکتب زبان‌شناسی لندن و با فعالیت نظریه‌پردازانی چون جان فرث (John Rupert Firth)، یلمزلف (Louis Hjelmslev)، هالیدی (Michael Halliday) زبان‌شناس مشهور انگلیسی و دیگران به دستاوردهای جدیدی دست‌یافت. زبان‌شناسی نقشگرا با ارائه نظریه‌های کاربردی مختلف چون الگوی نقشگرای هالیدی، به نقد و بررسی متون پرداخت. اندیشه‌های نظریه‌پردازان این نگره زبانی نیز مکمل هم بودند که تأثیر آرای فرث بر

hatami.hafez@pnu.ac.ir

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

Doi: [10.22108/liar.2019.114267.1512](https://doi.org/10.22108/liar.2019.114267.1512)

نظریه دستوری سیستمی - نقشگرای هالیدی، یکی از نمونه‌های این رابطه دوسویه بود.

زبان‌شناسی نقشگرا، با تحلیل زبان متون و به‌ویژه متون ادبی، راه را برای سبک‌شناسی نقشگرا باز کرد. «پیش از ظهور رویکردهای زبان‌شناسانه و مخصوصاً زبان‌شناسی نقشگرا، تحلیل‌های صورتگرایی میدان‌دار بررسی‌های سبکی محسوب می‌شد. تحولات زبان‌شناسی قرن نوزدهم و بیستم در عرصه مطالعات زبانی، مطالعات سبکی را به‌جانب خود کشاند و شاخه‌های مختلف سبک‌شناسی مبتنی بر مطالعات زبان‌شناسانه را به وجود آورد. زبان‌شناسی نقشگرا را یکی از رویکردهای نظری در زبان‌شناسی می‌دانند که در برابر زبان‌شناسی صورتگرا قرار می‌گیرد. یکی از نگره‌های زبان‌شناسی نقشگرا - که در دوران معاصر توانسته‌است به‌خوبی از تحلیل متون برآید - همین الگوی نقشگرای مایکل هالیدی است» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲).

۱.۱. بیان مسئله

یکی از مؤلفه‌های شاخص سبک یک اثر، چگونگی بهره‌مندی صاحب آن از زبان و دیگر امکانات و همچنین حاصل‌گزینش‌هایی از گنجینه‌های زبانی موجود و ظرفیت‌های ناشناخته و غیررایج است. طبیعتاً ذوق ادبی و ذهن جست‌وجوگر در این زمینه، نقش بسزایی دارد. بنابر این، سبک خالق اثر، بازتاب نگاه خاص به جهان درون و بیرون است که در بیان متجلی می‌شود؛ به دنبال آن، هنرمندان نواندیش، معمولاً زبانی تازه برای انتقال مفاهیم ذهنی به کار می‌گیرند. به این ترتیب، سبک محصول گزینش خاص زبانی است. در این میان، هنرمند صاحب سبک، هویت خاص زبانی دارد که آن را در اثر منعکس می‌کند. معمولاً در تعاریفی که از سبک ارائه شده، زبان، عنصر اصلی است و بررسی زبان آثار ادبی، ره‌یافتی به سبک نهادینه‌شده آن آثار قلمداد می‌شود.

به طور کلی ارزیابی‌های گذشته و سنتی آثار ادبی، در گذر زمان با پراکندگی و گسترش و طرح مباحث و مطالعات میان‌رشته‌ای و به عبارتی کشیده‌شدن پای علوم به ساحت یک‌دیگر به‌ویژه فلسفه و زبان‌شناسی، رفته‌رفته پایه‌های علمی به نام سبک‌شناسی را استوارتر کرد و در دوره معاصر سبک‌شناسی در کنار شاخه‌هایی چون زبان‌شناسی، نقد ادبی و مانند آن در قالب حوزه‌ای کاربردی در تحلیل و تفسیر متون، کارایی برجسته‌ای پیدا کرد.

سبک‌شناسی - که در آغاز کار، سخت در پیوند با بلاغت، موسیقی، خطابه، ایدئولوژی و محور فکری و مانند آن مطرح بود - کم‌کم به حوزه زبان‌شناسی روی آورد و با پیشرفت رویکردهای زبان‌شناختی در سده‌های نوزدهم و بیستم، در شکلی تازه آشکار شد. برای همین است که معمولاً تعریف سبک هم امروزه، یکی از دشوارترین موضوعات وابسته به سبک‌شناسی به حساب می‌آید. بر این اساس، ارائه توصیفی کامل و جامع از سبک‌شناسی منوط به بیان مشخصات و مختصات کامل سبک است. [اهل ادب و پژوهشگران] یکی از عام‌ترین معانی سبک را نحوه بیان ذکر کرده‌اند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۹). اگر نحوه بیان را در معنای همان عبارت‌پردازی‌های زبانی شاعر یا نویسنده فرض کنیم، سبک و سبک‌شناسی خواه ناخواه، به حوزه زبان و علم و مطالعه زبانی، یعنی زبان‌شناسی، وارد می‌شود.

۲.۱. پیشینه و ضرورت تحقیق

پژوهش‌های فراوان و ارزشمندی در حوزه سبک‌شناسی، شعر معاصر و سروده‌های طاهره صفارزاده انجام شده‌است؛ از سوی دیگر، با وجود تازگی موضوع سبک‌شناسی و زبان‌شناسی نقشگرا، در این زمینه نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است: کتاب «به سوی زبان‌شناسی شعر، ره‌یافتی نقشگرا»، مهران مهاجر، محمد نبوی، نشر مرکز (۱۳۷۴). در کتاب سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها) از محمود فتوحی و کلیات سبک‌شناسی از سیروس شمیسا، سبک‌شناسی نقشگرا به‌منزله رویکرد سبک‌شناسی نو بررسی شده‌است.

مقالاتی نیز به شرح زیر چاپ شده‌است:

«تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا» تقی پورنامداریان و طاهره ایشانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، دوره دوم، شماره ۱۲، صص ۷-۴۳۱، بهار (۱۳۸۹).

«درآمدی به شعرشناسی نقشگرا (رویکرد زبان‌شناختی)»، علی‌رضا خان‌جان و زهرا میرزا، مجله پژوهشی زبان و ادبیات

فارسی، شماره هفتم، صص ۸۳-۱۰۱)، پاییز و زمستان (۱۳۸۵).

«سبک‌شناسی رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم با رویکرد نقشگرایی هالیدی» فائزه وزیرنژاد، ادب‌پژوهی، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان، صص ۵۲-۷۷، (۱۳۸۸).

«تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آن‌گاه پس از تندر)» مصطفی عاصی و محسن نوبخت، مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، صص ۶۹-۹۸، پاییز و زمستان (۱۳۹۰).

«بررسی ویژگی‌های سبکی کشف‌المحجوب با رویکرد نظریه انتقادی در چارچوب دستور نقشگرایی هالیدی»، فاطمه مجیدی، هادی یوری و زهره قدوسی، پژوهش‌های ادب عرفانی، سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷، صص ۱۵۶-۱۲۳، پاییز و زمستان (۱۳۹۳).

«بررسی و تحلیل فرآیندهای فرانش اندیشگانی در شعر کسی مثل هیچ‌کس نیست، فروغ فرخزاد در چارچوب نقشگرایی هالیدی»، مژگان صفایی، محمدرضا عادل و محمود رمضان‌زاده، شعرپژوهی (بوستان ادب) سال نهم، تابستان، شماره ۲ (۱۳۹۰).

الگوی نقشگرایی هالیدی که الگویی نو در تفسیر و تبیین متون است، با به دست دادن الگویی همگانی در بررسی زبان و با قالب‌گذاری آن بر نوشته، به نتایج حاصل از داده‌هایی از پیش مهیا می‌رسد؛ علاوه بر آن قصد تحلیلگر نقشگرا از بررسی عناصر دستوری، نقشی و معنایی، بیشتر توضیح نقش «معنایی» آنهاست و صورت‌های زبانی یا فرانش اندیشگانی دربردارنده تجربیات فرد از جهان درون و بیرون است. فرانش بینا فردی تعامل و مشارکت فرد با جهان بیرون را شامل می‌شود و فرانش متنی نیز جایگاه حضور دو نقش پیش‌گفته است که عبارت‌پردازی‌های شاعر یا نویسنده را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر، طاهره صفارزاده، نویسنده، مترجم، محقق و از شاعران نواندیش و صاحب‌سبک معاصر است که به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی در زمینه شعر امروز به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با نام «شعر طنین» توفیق یافت؛ زمزمه‌ای روشن‌فکرانه که بی‌دغدغه وزن، با استعاره‌ای روشن، حرکتی در ذهن خواننده می‌آغازد. در این پژوهش با کاربری الگوی نقشگرایی هالیدی بر شعری از صفارزاده، سعی بر نشان دادن قابلیت‌های نقشگرایی هالیدی و شناخت سبک و گزینش‌های ادبی این شاعر معروف است.

۲. بحث و درآمد

۱.۲. سبک‌شناسی نقشگرایی هالیدی

هالیدی با ارائه الگوی نقشگرا - که با عنوان دستور سیستمی - نقشی یا دستور نظام‌مند هالیدی شناخته می‌شود - در پی بررسی زبان در بافت اجتماعی برآمد. در حقیقت رویکرد وی نوعی جامعه‌شناسی زبان است. او در دستور نظام‌مند خود، سه نقش اجتماعی از زبان مطرح می‌کند و زبان متون را بر اساس این سه نقش تجزیه و تحلیل می‌کند. به نظر وی نقش‌های زبان، همان معناهای زبان در بافت‌های موقعیتی گوناگون‌اند. سه نقش او عبارت‌اند از: نقش اندیشگانی، نقش بینا فردی و نقش متنی؛ هر یک از این نقش‌ها ملزومات و سازکاری خاص دارند؛ به معنای دیگر، هر نقش زبانی دارای یک ساختار است که از مجموعه‌ای زیرساخت به وجود آمده است. عمده توجه هالیدی بر دستور زبان است. با ملاحظه در دستور زبان یک متن و کاربری نقش‌های پیش‌گفته و در نهایت فراوانی هر ساختار - که در صورت‌ها و عبارت‌پردازی‌های شاعر رمزگذاری شده است - به معنایی از آن متن دست می‌یابیم؛ معنایی که با در نظر گرفتن موقعیت یا زمینه همان بافت حاصل می‌شود. بنابراین این، هدف مفسر و منتقد از بررسی ساخت‌های زبانی رسیدن به معناست.

مطالعه بافت، یکی از اساسی‌ترین ویژگی زبان‌شناسی نقشگراست. بافتی که در زبان‌شناسی نقشگرا به دنبال آن سبک‌شناسی نقشگرا مطرح می‌شود، حوزه مطالعه و بررسی خود را از سطح جمله به سطح متن و بالاتر از آن می‌کشاند. بر این اساس «نقشگرایی» (در بررسی زبان) رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را نه تنها در درون خود و به طور ذاتی و بر حسب امکانات صوری توضیح دهد؛ بلکه در تلاش است تا رابطه‌اش را با نظام‌های بزرگ‌تری - که آن را در خود جا داده‌اند - مطالعه کند؛ خواه این نظام‌های بزرگ‌تر را «فرهنگ» بنامیم، خواه «نظام‌های اجتماعی» یا «نظام‌های اعتقادی» یا چیز دیگر. نکته

شایان ذکر این است که دخالت تحلیلگر در این بررسی به نوعی تقلیل می‌یابد؛ به معنای دیگر، «تعبیر و تفاسیر حاصل بیشتر متگی به روش علمی داده‌های زبان شناختی است تا تفسیر شخصی مفسر یا تحلیلگر» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲).

تجربه افراد و جوامع، در زبانی که به صورت مجموعه‌های انگاره‌ها به کار می‌برند، به صورت رمز درمی‌آید و به دنبال آن، زبان درک و دریافت افراد، تجربه را سازمان‌دهی می‌کند و در نهایت چگونگی نگرش را نسبت به جهان رقم می‌زند. هنگام گفت‌وگو با دیگران، از تجربیات درباره جهان (خواه جهان خارج، اشیا، حوادث، چگونگی و کیفیت‌ها و خواه در باره جهان درون، اندیشه‌ها، اعتقادات و احساسات) سخن می‌گوییم و در واقع از فرانش اندیشگانی یا تجربی زبان استفاده می‌کنیم. پی‌آمد برشی که زبان در پیوستار جهان می‌زند، این است که جهان هنگامی که در زبان بازمی‌تابد، به صورت پدیده‌های متمایز مرزمند درمی‌آید. به واسطه این عمل زبان، پیوستار جهان به سه بخش عام تقسیم می‌شود:

- فرآیند که ناظر است بر یک رخداد، یک کنش، یک حالت، یک فرآیند احساسی، گفتاری یا وجودی؛

- مشارکین فرآیند که عناصر دست‌اندرکار فرآیند را در بر می‌گیرند و حول محور فرآیند عمل می‌کنند. این عناصر می‌توانند یا عامل فرآیند باشند، یا فرآیند بر آنها اعمال شود، یا آنکه از فرآیند بهره‌مند شوند.

- عناصر پیرامونی فرآیند عناصری‌اند که زمان و مکان و شیوه عمل و وسایل و اسباب و شرایط فرآیند را رقم می‌زنند. تا اینجا، تشریح کلی ساخت اندیشگانی هدف بوده‌است، اما آنچه در این ساخت قرار است به تجزیه و تحلیل سبکی بینجامد، به‌ویژه در عنصر فرآیند متمرکز شده‌است. در اصل زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند «به جای بحث درباره «فعل» مفهومی به نام «فرآیند» را مطرح می‌کند. عمل انتقال ایده به فرآیندهای زبانی، همان جریانی است که یک مفهوم در زبان، بازتاب می‌یابد و به یک شکل لفاظی درمی‌آید و رمزگذاری می‌شود؛ به زبان ساده‌تر روند قرار گرفتن جهان و امور در صورت‌های زبانی است. پس هر بند، باز نمود یک مفهوم زبانی است و از این رو بند دستوری برای سبک‌شناس پایه بررسی و واحد تحلیل متن است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

جدول شماره (۱) انواع فرآیند

فرآیندهای اصلی	فرآیندهای فرعی
مادی (material)	رفتاری (behavioral)
ذهنی (mental)	کلامی (verbal)
رابطه‌ای (relational)	وجودی (existential)
کارکرد فرآیند	مشارکین فرآیند
مادی: انجام کار فیزیکی	کنشگر
رخ دادن واقعه؛	کنش‌پذیر
ذهنی: امور ذهنی، احساسی و ادراکی؛	مدرك (حسگر)
رابطه‌ای: هستی و رابطه بین پدیده‌ها؛	پدیده یا نمود
	حامل
	محمول (صفت)
رفتاری: حامل رفتارهای فیزیکی و روانی؛	رفتارگر
	دریافت‌کننده
کلامی: افعالی که بر سخن‌پردازی دلالت دارند.	گوینده
	دریافت‌کننده
وجودی: موجودیت یا نیستی؛	موجود
	هست

در عمل نقد و بررسی سبکی هر یک از ساخت‌های مذکور، برآیندی حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر، در ساخت اندیشگانی بررسی بسامد فرآیندها قرار است به جهان‌بینی شاعر یا نویسنده راه پیدا کنند. بنابراین، بررسی نقش اندیشگانی در زبان‌شناسی نقشگرای نظام‌مند برای بررسی نگرش نویسنده و نوع گزینش سبکی وی کارآیی زیادی دارد. پس به‌طور کلی، تحلیلگر پس از استخراج فرآیندها و بررسی میزان فراوانی هر کدام از آنها، در پی پاسخ به پرسش‌های بنیادی است. بررسی فرآیندهای فعلی، امکان بازشناسی نحوه بازتاب امور را در ذهن بیشتر فراهم می‌کند. وقتی بندها و جمله‌های متن را بر اساس این فرآیندها تجزیه و تحلیل کنیم، نقش اصلی زبان در متن و شیوه تفکر و نوع نگرش نویسنده به جهان و پدیده‌ها روشن می‌شود. بسامد هر یک از شش فرآیند در متن نشان می‌دهد: مؤلف چه نوع تجربه‌ای دارد؟ به عبارتی سبک بیشتر ظرف اندیشیدن و فرآیندهای اندیشگانی است تا فرآیندهای مادی یا شناختی و رفتاری؟ نحوه مواجهه نویسنده با جهان و پدیده‌ها چگونه است؟ ذهنی یا مادی؟ این روش برای شناخت شخصیت و ذهنیت‌گوینده و نویسنده بسیار کارآمد است.

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، فرآیند مادی، فرآیندی است، که در آن عملی انجام، رخدادی شکل یا اثری پذیرفته می‌شود. در این فرآیند با توجه به نوع «فعل لازم» یا «فعل متعدی» تعداد مشارکین متغیر است. در «فعل لازم» تنها یک مشارک؛ یعنی «کنشگر» وجود دارد. (دویدن و ...) در «فعل متعدی» عنصر دیگری به نام «کنش‌پذیر» وارد فرآیند می‌شود. (آزمایش کردن ...)

در فرآیندهای مادی نمونه‌های متفاوتی مانند اتفاق افتادن، ساختن، آمدن، گرفتن، قسمت کردن و ... وجود دارد. فرآیند ذهنی اندکی با فرآیند مادی متفاوت است. در این فرآیند، سخن از عمل یا رخدادی فیزیکی نیست؛ بلکه سخن در مورد افکار، احساسات و ادراکات است. این فرآیند لزوماً دو شرکت‌کننده دارد: الف) موجودی که «فکر می‌کند، می‌اندیشد یا ادراک می‌کند» که مُدرک نامیده می‌شود و آنچه، درک، احساس یا ادراک می‌گردد، آن را پدیده یا نمود می‌گویند؛ به عبارت دیگر فرآیند ذهنی مربوط به افعال، حسّی است. افعال مصادری چون فکر کردن، دوست داشتن، تصوّر کردن، خواستن، دیدن

و... جزء این فرآیند به شمار می‌آیند. در فرآیند ذهنی، الزاماً کاری انجام نمی‌پذیرد؛ بلکه حادثه‌ای در جهان درون و ذهن اتفاق می‌افتد. در این فرآیند، مدرک می‌تواند موجودی دارای شعور باشد، یا آن را دارای شعور بینداریم. حسگر (مدرک) باشعور پنداشته شده، که احساس، اندیشه و ادراک دارد. پدیده، آنچه احساس و ادراک می‌شود یا به آن اندیشیده می‌شود.

فرآیند رابطه‌ای، بر هستی و رابطه بین پدیده‌ها از طریق فعل (است و بود) دلالت دارد. کسی یا چیزی را که خصوصیت ویژه‌ای داشته باشد (حامل) و ویژگی منتسب به حامل را (محمول) می‌نامند. فرآیند رابطه‌ای می‌تواند دو نوع متفاوت وصفی (اسنادی) و شناسایی (هویتی) داشته باشد. در نوع وصفی یک ویژگی - که ممکن است کیفیت، زمان، مکان و دارایی باشد - به چیزی نسبت داده می‌شود. این ویژگی با افعال ربطی (بود، شد، داشت، شبیه بودن، به نظر آمدن، به نظر رسیدن) به حامل یا دارنده نسبت داده می‌شود. در فرآیند شناسایی (هویتی) پدیده‌ای، پدیده دیگری را می‌شناساند، یا یک مدخل، مدخل دیگر را توضیح می‌دهد. سکوت سرشار از ناگفته‌هاست.

فرآیند رفتاری، دربرگیرنده رفتارهای روان‌شناختی - فیزیکی است. خوابیدن، سرفه کردن، لب‌خند زدن و مانند آن. این فرآیند یک مشارک به نام (رفتارگر) دارد. در حقیقت، فرآیند رفتاری، حدّ فاصل دو فرآیند ذهنی و مادی قرار دارد؛ مثلاً در مقابل فرآیند ذهنی دیدن، فرآیند رفتاری نگاه کردن است یا در مقابل فرآیند ذهنی شنیدن، فرآیند رفتاری گوش کردن وجود دارد.

فرآیند کلامی، با افعال گفتن، بیان کردن، اظهار کردن و... سروکار دارد. در این فرآیند با دو مشارک روبه‌رو هستیم؛ آنکه می‌گوید (گوینده) آنکه مورد خطاب، واقع می‌شود (مخاطب یا دریافت کننده).

فرآیند وجودی، از هستی یا نیستی پدیده‌ای سخن می‌گوید. مشارک این فرآیند - که از هستی یا نیستی آن سخن می‌رود - (موجود) نامیده می‌شود. فرآیندی که وجود یا واقع شدن چیزی را نشان می‌دهد، بین دو فرآیند مادی و رابطه‌ای قرار می‌گیرد. افعال بودن، وجود داشتن، واقع یا ظاهر شدن، باقی ماندن و... نمایانگر این فرآیندند.

در ساخت اندیشگانی یا تجربی علاوه بر فرآیندها و مشارکین فرآیندها، عناصر دیگری نیز وجود دارند که با بررسی آنها سرانجام لایه اندیشگانی سبک تحقق پیدا می‌کند. به این سازه‌ها عناصر پیرامونی فرآیند گفته می‌شود. عناصری که زمان و مکان و شیوه عمل و شرایط فرآیند را رقم می‌زنند. در ساده‌ترین و سطحی‌ترین لایه، همان زبان منعکس کننده دیدگاه ما درباره جهان است که می‌تواند شامل رخداد باشد؛ یعنی (فعل)، اشیا (اسامی) یا به اسامی چیزی یعنی (صفت) نسبت داده شود یا نشان‌دهنده جزئیات چگونگی حوادث در زمان، مکان یا حالت خاصی باشد (← مهاجر و نبوی، ۱۳۷۴: ۴۰ و آقاگل‌زاده، ۱۳۸۴: ۳). حضور این عناصر، اختیاری نیست و به گونه‌های زمانی - مکانی، کیفیت، سبب، همراهی، موضوع و نقش تقسیم می‌شوند و معمولاً همراه با حرف اضافه و به صورت گروه‌های اضافی و قید در بند ظاهر می‌شوند. همان‌گونه که اشاره شد با دقت در فرآیندهای مطرح در الگوی نقش‌گرای هالیدی، متوجه هم‌پوشانی بعضی از فرآیندها با یک‌دیگر می‌شویم که این نکته گرهی در کار تحلیل ایجاد می‌کند؛ برای مثال، نمی‌توان تفاوت زیادی بین فرآیند مادی و رفتاری در نظر گرفت. علاوه بر این، گویا این ساخت (ساخت اندیشگانی)، در کار بررسی متون روایی و داستانی نسبت به متون شعری، کاربرد بهتر و مفیدتری داشته باشد؛ زیرا در شعر با کاربرد مجازی زبان با به‌کارگیری نماد، استعاره، کنایه و... سر و کار داریم و این خود موجب تکثر معنایی می‌شود و انطباق فرآیندها را بر معنای قطعی آنها دشوار می‌کند.

۳. تحلیل سروده‌ها بر اساس سبک‌شناسی نقش‌گرای هالیدی

شعر سفر اوّل از مجموعه (طنین درلنا)

بوی سوختن / بوی عود / بوی عود را شنیده بودم /

بوی سوختن استخوان و عود را / نه /

این خانه چقدر شبیه قلعه است /
یک سوی رودخانه و سه سوی دیوار /
در شهر شما عجیب قلعه فراوان است /
آجا / سوختن هیزم را دیده بودم /
سوختن هیزم و اسکلت انسان را / نه! /
دودها دو پله یکی / بالا می‌روند /
آسانسور طبقه دوم، شب از کار افتاده است /
زندگی تکرار نگاه آسانسورچی است /
بالا / پایین / بالا / پایین /
این مُرده نزد برهمنان اعتراف کرده بود /
اعتراف این مُرده، نزد برهمنان چه بود؟ /
خیره شدن، به دست‌های خبازان شاید! /
تجاوز به ساحت یک قرص نان شاید! /
دیروز بر دوش آدمی اراپه‌ای دیدم /
بارش مهاراجه و بانو /
گفتم: وحده لا اله الا هو /
پسر روی جنازه پدرش، آتش می‌گذارد و برهمن / دعا می‌خواند /
برهمنان چرا منتر را برای وفور غله نمی‌کارند؟ /
بوی استخوان / بوی عود /
اعتراف آن مرده نزد برهمنان چه بود؟ /
در قبرستان پاهایم از شانه‌های عمویم آویزان بود /
میان چادری‌های سیاه‌پوش گردش کردیم /
تشنه بودیم، کولی‌ها مشک آب را دریغ می‌کردند /
بوی قهوه می‌آمد، بوی قلبان، به من قاقا دادند /
مادر میسز هارمز که مُرد، میسز هارمز، گفت: /
آدم در مرگ مادرش /
هی باید کارت بنویسد، هی تلفون جواب دهد /
من قاقا را روی قالی پرتاب کردم /
دیروز مجسمه لرد کرزون را در کلکته فرود آوردند /
فردا من به کوچه‌ای بر می‌گردم که چهارده سالگی میان آن /
ایستادم / و قلبم را به همراه شب نامه‌ای / به جوانی دوچرخه سوار تقدیم کردم /
ارتعاش انگشتانم / تا سه کوچه دورتر / در جیب‌های ارمکم ادامه داشت /
مادر ویلیامز، دل‌تنگ نقاشی‌های شهرش پورتوریکو بود /
من به سوی کاه‌گل خانه‌ای می‌روم که سر راه کویر /

ایستاده است/ نقشه کویر را نظربازان ۱۹۰۷ هم تصرف نکردند/

جدول شماره (۲) فرآیندهای ششگانه در شعر سفر اول

انواع فرآیند	تعداد فرآیند	بسامد فرآیند
مادی	۱۴	۴۵ . ۱۶
ذهنی	--	-
رابطه‌ای	۸	۲۵ . ۸۱
رفتاری	۹	۱۹ . ۳۵
کلامی	۲	۶ . ۴۵
وجودی	۱	۳ . ۲۳
مجموع	۳۱	۱۰۰

این جدول شامل فرآیندهای ششگانه است که در ساخت اندیشگانی، عنصر کانون تحلیل به حساب می‌آیند. فرآیندهای مستخرج، شامل فرآیند افعال محذوف اشعار نیز هست.

جدول شماره (۳) عناصر پیرامونی فرآیند شعر سفر اول

عناصر زمانی	عناصر مکانی
دیروز/ فردا / دورتر	خانه/ رودخانه/ قلعه/ قبرستان/ کوچه/ پورتوریکو/ کویر / کلکته

۱,۳. تحلیل نمونه‌های فرآیند

فرآیند مادی؛ دودها دو پله، یکی بالا می‌روند.	پسر به روی جنازه پدرش آتش می‌گذارد.
کنشگر کنش‌پذیر فرآیند مادی	کنشگر کنش‌پذیر فرآیند مادی
ما میان چادری‌های سیاه‌پوش، گردش کردیم.	[آنها] دیروز، مجسمه لوردکروزون را پایین آوردند.
کنشگر فرآیند مادی	کنشگر کنش‌پذیر فرآیند مادی
فرآیند ذهنی؛ من سوختن هیزم را دیده بودم.	من دیروز بر دوش آدمی ارابه‌ای دیدم.
حسگر پدیده فرآیند ذهنی	حسگر پدیده فرآیند ذهنی
فرآیند رابطه‌ای؛ اعتراف، این مرده، نزد برهمنان چه بود؟	این خانه چقدر شبیه قلعه است.
محمول حامل فرآیند رابطه‌ای	محمول حامل فرآیند رابطه‌ای
مادر ویلیامز دل‌تنگ نقاشی‌های شهرش بود.	ارتعاشات انگشتانم، در جیب ارمکم ادامه داشت.
حامل محمول فرآیند رابطه‌ای	حامل محمول فرآیند رابطه‌ای
فرآیند رفتاری؛ [من] بوی عود را شنیده بودم	[اعتراف این مرده] خیره شدن به دست‌های خبازان شاید
رفتارگر فرآیند رفتاری	رفتارگر فرآیند رفتاری
[من] در چهارده‌سالگی میان آن ایستاده‌ام	در قبرستان پاهایم از شانه‌های عمومیم آویزان بود
رفتارگر فرآیند رفتاری	رفتارگر فرآیند رفتاری
فرآیند کلامی؛ [من] گفتم: وحده لا اله الا هو	میسیز هارمز گفت: آدم در مرگ مادرش باید کارت بنویسد.
گوینده فرآیند کلامی گفته	گوینده فرآیند کلامی گفته

فرآیند وجودی؛ در شهر شما عجیب قلعه فراوان است.

فرآیند وجودی

یکی از مهم‌ترین عناصر پیرامونی فرآیند، عناصر زمانی و مکانی‌اند که مکان و زمان تحقق فرآیندها را در بر می‌گیرند و در تحلیل محتوای شعر نقش برجسته‌ای دارند. این عناصر بر اساس تقابل و تشابه در ساخت معنایی شعر، نیاز به تأمل بیشتری دارند. عنصر پیرامونی چگونگی - که در اصل بیانگر مشابهت‌های جاری در بطن شعر است - در شناخت کیفیت رویدادها مؤثر واقع می‌شود.

۲،۳. تحلیل بسامد فرآیندها

در زبان‌شناسی نقشگرا، صورت‌ها و ساختارهای زبانی سازنده متن، به تناسب بافت و معنا تعبیر می‌شوند و تغییر می‌یابند. بر این اساس، هر صورت زبانی منتخب، درصدد القا و ارسال معنایی خاص است. در نتیجه، بسامد ساختارهای زبانی در اثر یک شاعر و نویسنده علاوه بر موضوعیت سبکی، با معنایی که هدف و پیام پدیدآورنده است، بیشتر گره می‌خورد. با توجه به این مطالب، باهم‌آیی چند مؤلفه در ساخت اندیشگانی، مسیر تحلیل سبکی را روشن‌تر می‌کند؛ یعنی معنا، انتخاب (منظور انتخاب‌های زبانی شاعر است) ساختارهای زبانی و بسامد ساختارهای زبانی را در بر می‌گیرد.

۴. نظام گذرایی یا تعدی (Transitivity system)

نخستین نکته‌ای که در برخورد با ساخت اندیشگانی مطرح در نقشگرایی هالیدی به چشم می‌خورد، نظام گذرایی یا تعدی است. در این‌جا ذکر نکاتی درباره نظام گذرایی ضروری است که جایگاه تحقق ساخت اندیشگانی در لایه دستوری-واژگانی زبان است. «نظام گذرایی، مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی تجربی در زبان است. درحقیقت، گذرایی در دستور نقشگرا به شیوه بازنمایی انواع فرآیندها و معانی، در جمله اطلاق می‌شود» (سیمپسون، ۲۰۰۴، نقل از آقا گل‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۸). اعمال و رفتارهای زبانی ما در یک موقعیت، رساننده معانی خاصی است. این معانی قالب‌بندی شده در عبارات‌های زبانی باید در نظامی زبانی پرداخته شود. در فرانش اندیشگانی این کارکرد زبان در نظام گذرایی عمل می‌کند؛ پس این گذرایی به سیستم زبانی - که برای خلق معانی اندیشگانی و تجربی به کار برده می‌شود - اشاره دارد؛ [گروهی از معانی که] مربوط می‌شوند به اینکه چگونه اشخاص و اعمال در یک موقعیت در زبان کدبندی می‌شوند (Ryder, 2006: 40). همان‌گونه که از این مطالب استنباط می‌شود، ساختار تعدی در حقیقت دربرگیرنده فرآیند، مشارکین فرآیند و عناصر پیرامونی است؛ زیرا ساختار تعدی نیز برای عنصری که فرآیند را بازنمایی می‌کند، نقش کانونی ایفا می‌کند. «گذرایی همچنین به عنوان مجموعه اختیاراتی است که به موجب آن گوینده تجربیاتش را از فرآیندهای جهان بیرون و جهان درون خودآگاهش به همراه مشارکین این فرآیندها و شرایط ملاءم آنها کدبندی می‌کند» (Kittrell, 2013: 34).

از آنجایی که هر فرآیندی معنایی را درون خود دارد و نیز القاکننده اندیشه‌ای است، از بسامد فرآیندهای یک شاخصه سبکی به حساب می‌آید؛ زیرا انتخابی از گزینه‌های متعدد و متنوع است. به عبارت دیگر، فرآیند انتخاب شده در تقابل با دیگر فرآیندهایی است که می‌توانسته‌اند انتخاب شوند.

۵. تحلیل فرآیندهای سفر اول

نقش فرآیندها در دریافت معنای شعر به‌خوبی مشهود است. فراوانی بالای فرآیند رابطه‌ای - رفتاری نشان می‌دهد که شاعر در کنار توصیف پدیده‌ها، گویی در صحنه حضور دارد که چنین تنشی را در قالب افعال (بسترهای کارکرد فرآیندها) بیان کرده‌است. در شعر سفر اول، فرآیندهای رابطه‌ای فراوان است. (مثل این‌ها چقدر شبیه قلعه است یا اعتراف آن مرده نزد

برهمنان چه بود؟) این فرآیند در کنار فرآیندهای رفتاری چون شنیده بودم، تشنه بودم، دیده بودم، باعث پویایی شعر هم شده است. همچنین فرآیندهای کلامی گفت، دعا خواند (وحده لا اله الا هو) پویایی فضای شعر را با حاضر کردن طرف دیگر گفت و گو به عرصه شعر شدت داده است. این جریان در ژرف ساخت خود دغدغه، هیجان و خلجان خاطر و اندیشه شاعر را در بر دارد. آن گونه که در شعر شاهد هستیم، نگرانی صفارزاده از مرگ انسان، برداشت کلی از نمودار مقایسه‌ای بالا، توزیع متناسب توصیف مندی و روایت مندی کنار هم را در اشعار نشان می‌دهد، اما تکرار بسامد فرآیند رابطه‌ای - مادی می‌تواند دلالت بر خشم و عصیان همیشگی و مداوم او علیه ددمنشی‌ها داشته باشد. بر این اساس نتایج فرآیندهای ششگانه به شرح زیر است:

الف) فرآیند مادی به عینیتگرایی شعر می‌انجامد. میزان روایت مندی شعر را بالا می‌برد. ارتباط شاعر را با دنیای اطراف به خوبی نشان می‌دهد و در واقع فرآیند مادی با عینیتگرایی و واقعگرایی در پیوند است؛ زیرا فرآیندهای مادی، بیشتر برای انتقال مفاهیم عینی و کنشی کاربرد دارند. آنچه در شعر سفر اول و خبر سال‌ها شاهد آن هستیم: پسر به روی جنازه پدرش، آتش می‌گذارد / برهمنان چرا منتر، برای وفور غله نمی‌کارند / میان چادری‌های سیاه پوش گردش کردیم / ...

ب) فرآیند ذهنی، بیانگر میزان ارتباط شاعر با دنیای بیرون است. به گونه‌ای که بسامد بالای فرآیند ذهنی در متن، بی‌حرکی و ارتباط نداشتن با محیط بیرون را بازگو می‌کند و در بسیاری موارد بر حالات انزوا و تنهایی شاعر و نویسنده هم دلالت دارد. این فرآیند در شعر سفر اول و دل‌تنگی بیشترین فراوانی را نسبت به اشعار دیگر دارد. سوختن هیزم را دیده بودم / سوختن اسکلت و استخوان انسان را نه / تشنه بودیم / کولی‌ها آب را دریغ می‌کردند /

ج) فرآیند رابطه‌ای با توصیف پدیده‌ها و وقایع درون متن به جنبه وصفی نوشته جهت می‌دهد و از روایت مندی آن می‌کاهد. این فرآیند با فرآیند ذهنی، ذهنیت حاکم بر روابط درون‌متنی، نشانه‌های زبانی به کار رفته در شعر را آشکار می‌کند و ویژگی موقعیت‌های مختلف را به مشارکین فرآیند نسبت می‌دهد. بسامد این فرآیند در سروده‌های انتخابی بالاست. شعر خداسالاری، سبزه، مردان منحنی. در شهر شما عجیب قلعه فراوان است / جهان دیار جهان‌داران است / تفاوتی است شگرف / میان خورندگان و خوردن‌ها /

د) فرآیند رفتاری نمایانگر رفتارهای جسمانی و فیزیکی انسان است و رفتارگرا را به عنوان مشارک در ساخت خود دارد. این فرآیند، شامل حالاتی است که رفتارگر از خود بروز می‌دهد و در درک و فهم وی از محیط اطراف مؤثر است. رفتارگرا در این فرآیند می‌تواند غیرجان‌دار نیز باشد و رفتاری را از خود صادر کند. این فرآیند در سه شعر کودک قرن، از فعل خوردن و ماشین آبی بیشترین بسامد را دارد. آیا سزای گفتن حق گوش دادن ناحق است - ما چهره‌های شاد را در تلویزیون تماشا می‌کنیم /

ه) فرآیند کلامی ناظر بر رابطه دو سویه گوینده - شنونده است و حضور آن در متن با گفت و گو، گفتگمانی را خلق می‌کند. این فرآیند در شعر کودک قرن و دل‌تنگی بسامد بالاتری دارد. گفته‌اند: افسانه‌ها از مهربانی‌های مادر / کودک تنها دهد آواز / گفته‌ام که ویرانی‌ها / ...

و) فرآیند وجودی هم بر هستی پدیده‌ها و رویدادها دلالت دارد و مشارک موجود را در ساخت خود همراه دارد. این فرآیند در شعر کودک قرن و دل‌تنگی به صورت بسیار محدود به کار رفته است. خوشا آن شب که در این خانه مادر نیست / مانده در بن‌بست راهی تنگ / مادرت این جاست /

تمامی فرآیندهای فوق به پیش‌برد معنای مورد نظر گوینده کمک می‌کنند. گزینش حساب‌شده با بسامد بالا در متن، موجب غنای صبغه و وجهه معنایی است و به درک دیدگاه و جهان‌بینی شاعر یا نویسنده کمک می‌کند؛ چنانکه فراوانی این فرآیندها، ویژگی سبکی محسوب می‌شود. «به عبارت دیگر این فرانش (نقش اندیشگانی) نشانگر و شاخص مهمی برای سبک در گفتگمان روایت محسوب می‌شود؛ زیرا بر مفهوم سبک، به عنوان یک انتخاب و گزینه از میان گزینه‌های بالقوه دیگر موجود در نظام زبان تأکید می‌کند» (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

۶. نقش فرآیندها در روایت‌مندی و توصیف‌مندی شعر

با توجه به نتایجی که از بررسی بسامد فرآیندهای ششگانه در اشعار انتخابی صفارزاده به دست آمد، می‌توان فرآیندها را در روایت‌مندی و توصیف‌مندی شعر دسته‌بندی کرد؛ به گونه‌ای که از بین شش فرآیند نام‌برده، برخی شعر را به سمت روایت و برخی شعر را به سمت وصف پیش می‌برند. کریمی در بخشی از روایتی تازه بر لوح کهن، روایت در شعر نو ایران - که به زمینه‌های نقد روایی پرداخته‌است - از نظام تعدی هالیدی در شخصیت‌ها و زمینه داستانی و بررسی روایت از منظر پنج نوع اصلی فرآیند در نظر هالیدی اشاره کرده‌است. اما وی به کارکرد این فرآیندها در روایت‌مندی و توصیف‌مندی شعر، اشاره مستقیمی ندارد. او در خصوص روایت و روایت‌مندی شعر آورده‌است: روایت ابزار مناسبی برای هم ساماندهی به تجربه‌های انسانی است و هم تنها ابزار مناسب برای انتقال آنها؛ شعر برای بیان مقاصد زبانی به اشکال گوناگون از روایت بهره‌می‌برد. از دیدگاه نویسنده شعر روایی، متن شعری قصه‌گو نیست؛ متنی است که از یک خط سیر روایی برای ایجاد انسجام در خود استفاده می‌کند (← کریمی: ۱۳۹۱: ۲۲-۲۹). باید اضافه کرد: «روایتی که در شعر به کار می‌رود، بدون شک با روایتی که در داستان به خدمت گرفته می‌شود، متفاوت است؛ به گونه‌ای که روابط علی-معلولی بدان شیوه که از یک داستان انتظار می‌رود، بر منظومه حاکم نیست» (جورکش، ۱۳۸۳: ۶۱).

با تأمل در درصد فراوانی فرآیندهای ششگانه هالیدی در اشعار منتخب، مشاهده می‌شود فراوانی بالای فرآیند مادی، رفتاری و کلامی سویه روایی به شعر می‌دهند و فرآیندهای وجودی، ذهنی و رابطه‌ای شعر را به سمت توصیف می‌کشانند. همان‌گونه که اشاره شد، منظور از روایت در شعر، وجود زمینه روایی آن است؛ نه اینکه شعر آشکارا به قصه‌گویی بپردازد و ما شاهد شخصیت‌ها و کنش و واکنش‌ها باشیم.

همان‌گونه که گذشت، از مجموع سی و یک فرآیند موجود در شعر سفر اول، بیست و سه فرآیند مادی و رفتاری است. در قسمت معرفی فرآیندها اشاره شد که در فرآیند مادی، دو مشارک «کنشگر» و «کنش‌پذیر» حضور دارند. (کنشگر، نقشی الزامی در فرآیند است که وقوع فعل، به حضور آن وابسته است. کنش‌پذیر، کنش از طریق کنشگر بر آن واقع می‌شود و می‌تواند در فرآیند باشد یا نباشد) در نتیجه فرآیند مادی در متن شعری وجود کنشگر و کنش‌پذیر را ناگزیر می‌کند. در مضمون شعر گذشته، سقوط دیکتاتورها و ستمگران در اندیشه دختران جوان به طرز جالبی با هم گره خورده‌است. در اینجا عواطف انسانی، مسائل سیاسی و اجتماعی و شخصی شاعر و همچنین وقایع، چون طیف‌هایی از رنگ‌های تابلو نقاشی کنار هم قرار می‌گیرند و به یک‌دیگر نزدیک می‌شوند تا ما را به کلیت زندگی، یعنی آنچه موجب ماندگاری اثر است، برسانند و به دنبال آن هم تداعی‌های شاعر، او را از زمان حال به گذشته می‌کشاند و به مرور خاطراتی دعوت می‌کند که از عزاداری‌های دوران کودکی داشته‌است.

به جرئت می‌توان صفارزاده را در کنار گویندگانی چون فروغ فرخزاد، جزء نخستین شاعران زن جریانات پس از نیما دانست که با جسارت توانسته‌اند این همه مفاهیم متفاوت و حتی متضاد را به نحوی شاعرانه کنار هم بچینند و به حسّی برسند که گاه آنان را به دوران کودکی‌شان می‌رساند.

بر این اساس، می‌توان گفت: بسامد بالای فرآیند مادی با عناصر کنشگر و کنش‌پذیر، بر این دلالت دارد که رخدادهایی در حال وقوع است و توالی این رخدادها پیامدی در بر دارد که ما در شعر سفر اول به خوبی شاهد هستیم و آن حقیقت مرگ است. فرآیندهایی چون بالا رفتن، کاشتن، مردن و فرود آوردن شعر را به سمت زمینه روایی به پیش می‌برند و در پیوند فرآیندهای مادی است که دو فرآیند کلامی و رفتاری نیز حضور دارند، ویژگی یا دیالکتیکی گفتمانی به شعر می‌دهد، مخاطبی را به عرصه شعر وارد می‌کند و حضور او را ناگزیر می‌کند. شاعر، در این شعر، غریب است و غم غربت او از غربت مادری است؛ یعنی به جایی

دیگر تعلق دارد. «مادر میسز هارمز که مرد / میسز هارمز گفت: /...» به نوعی اشاره به غربت زدگی عام دارد. وقتی پای مخاطب به شعر باز شود، خواه ناخواه رفتارهایی از وی صادر می شود؛ رفتارهایی که یا فیزیکی (جسمانی اند) یا ذهنی. آن گونه که در این سروده مشاهده می شود، فرآیند ذهنی وجود ندارد؛ این ویژگی می تواند به این معنا باشد که مخاطب فرصتی برای اندیشیدن و سخن گفتن ندارد. از سوی دیگر، بیان فرآیند وجودی، تنها یکبار، بیانگر آن است که سخن از بودن و نبودن، به عبارت دیگر حرفی از هستی و عدم به میان نیامده است؛ تنها جایی که شاعر می گوید: «در شهر شما عجیب قلعه فراوان است» فرآیند وجودی حضور دارد و حضور فعل «است» در القای مفهوم مرگ، تأکیدی بر گستردگی عدم و مرگ با وجود ستمگران است. وجود فرآیند رابطه، شعر را به سمت توصیف کشانده است. این فرآیند اغلب در افعال ربطی ظاهر می شود. شباهت قلعه و خانه، فراوان بودن قلعه، آویز بودن پاها، بهترین توصیفاتی اند که شاعر در القای مفهوم پیام خود؛ یعنی مرگ به کار برده است. در ادامه همین مطلب و حول محور روایت مندی و توصیف مندی شعر بر اساس بسامد فرآیندهای ششگانه هالیدی مشاهده می کنیم که شعر سفر اول به سمت توصیف پیش می رود. هر چند درباره نقاط ضعف و صف آمده است که «در حالت وصف، شاعر هم سویی کم رنگ و ناچیزی با شیء دارد؛ ضعیف ترین پیوند میان ذات شاعر در این حالت است. در این وضعیت، ذهن در حالت انفعالی، مثل آینه، صورت شیء را بدون تصرف خیال منعکس می کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۷۰). البته صفارزاده با هنر خود و با روش هایی چون کم بودن عناصر زمان و مکان و کیفیت در شعر، زمینه توصیفی را قوی تر کرده است.

نتیجه

سبک یک اثر ادبی، چگونگی استفاده از زبان و شیوه بیان، عناصر و مؤلفه های زیبایی شاختی و رویکرد محتوایی و مضمون یا پیام آن اثر است. سبک شناسی نقشگرای هالیدی نیز محصول نگاه اجتماعی به نقش زبان است. از این منظر، به کمک فرانشس اندیشگانی (بازتاب درک ما از واقعیات) در چارچوب روش او، الگوهای تجربه شده در قالب افعال و فرآیند معرفی و از طریق فرانشس تجربی امکان پذیر می شوند. یکی از کارکردهای برجسته این روش این است که با بررسی این فرآیند، می توان از دنیای درون نویسنده آگاه شد و علاوه بر آن، تلاش می شود، عوامل بیرونی نیز درک شود. واقعیتی که در اغلب سروده های طاهره صفارزاده و به ویژه در شعر سفر اول، تجربه های ناب شاعر را در عبارت پردازی ها آشکار می کند. به عبارت دیگر، در این سروده، عوالم درون و بیرون شاعر در برشی - که با زبان از آنها صورت می گیرد - در قالب افعال و فرآیندهای شش گانه مادی، ذهنی، رابطه ای، رفتاری، کلامی و وجودی رمزگذاری شده، از طریق بررسی فرآیندها و فعل ها، مشخص شده است. از سوی دیگر، نظام گذرایی یا تعدی، به مثابه یک نشانگر مهم نوع ادبی، برای برجسته کردن شگردهای شخصیت پردازی در روایت های این شاعر خود را نشان داده است.

صفارزاده در اشعار اجتماعی - سیاسی و سروده مورد نظر، دو فرآیند رابطه ای و مادی را بیشتر به کار گرفته است و در عین حال به متن خود، جنبه توصیفی و روایی بخشیده است. بدیهی است فراوانی کارکردهای مادی در اشعار اجتماعی و سیاسی، با لحاظ بافت موقعیتی، دغدغه ها و تنش های درونی شاعر را در برخورد با رخدادهایی نشان می دهد که او در قالب فرآیند مادی، فراقنی می کند. در این صورت، ذهنیت شاعر متمایل به برونگرایی است. فراوانی فرآیند رابطه ای در سروده های وی نیز چگونگی وقوع این حوادث و ماجراها را در کنار کنشگران آنها به خوبی آشکار کرده است. در نهایت بهره گیری از فرآیند رابطه ای - که چگونگی وضعیت پدیده ها را گزارش می کند - یکی از وجوه نگاه خاص این شاعر را به پدیده ها نشان می دهد و کاربرد فرآیند رفتاری هم دلالت بر پردازش های شاعر در دنیایی است که با حضور مخاطب به گفت و گو می پردازد.

۱. آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). *گفتمان انتقادی*، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. _____ (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقشگرا در تجزیه و متون ادبی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد*، سال سی و هشتم، شماره ۱۴۹، صص ۲-۲۱.
۳. جورکش، شاپور (۱۳۸۳). *بوطیقای شعر نو* (نگاهی دیگر به نظریه و شعر نیما یوشیج)، تهران: ققنوس.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *کلیات سبک‌شناسی*، ج ۲، تهران: فردوس.
۶. فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی* (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.
۷. کریمی، فرزاد (۱۳۹۲). *روایتی تازه بر لوح کهن* (روایت در شعر نو ایران)، تهران: قطره.
۸. مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۷۴). *به سوی زبان‌شناسی شعر* (رهیافتی نقشگرا)، تهران: نشر مرکز.
9. Kittrell, Davina (2013). *Identifying "you" in second person narratives: A systemic functional linguistic analysis*, Unpublished M A thesis. Marshal University.
10. Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
11. Ryder, M. E. (2006). *Transitivity: Stylistics approaches*, USA, Elsevier, (pp40-46).